

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال دوازدهم، شماره‌ی چهل‌وهشتم، تابستان ۱۴۰۰، صص ۸۳-۱۱۳
(مقاله علمی - پژوهشی)

بومی‌گرایی مؤسسه‌های اطلاعات و کیهان در حوزه فرهنگ (۱۳۴۰-۱۳۵۷ خورشیدی)

حسینعلی قربانی؛ مهدی زمانی احمد محمودی^۲

چکیده

در عموم روایت‌ها درباره مؤسسه‌های مطبوعاتی کیهان و اطلاعات پیش از انقلاب اسلامی، اطلاق واژه روزنامه رسمی یا حکومتی دیده می‌شود. بر اثر چنین نگرشی، وجوه غیرحکومتی آن دو مؤسسه پوشیده مانده و برخی کوشش‌های نویسندگان مستقل آن نادیده گرفته شده است. از این رو، پژوهش حاضر به این مسئله پرداخته است که اطلاعات و کیهان به عنوان بزرگترین رسانه‌های مطبوعاتی کشور در عصر پهلوی دوم چه رویه‌ای در حوزه فرهنگ کشور اتخاذ کردند؟ نتایج پژوهش در صورتبندی کلی تجدد بومی یا بومی‌گرایی عرضه شده است که نشان می‌دهد روزنامه‌نگاران این دو مؤسسه از گفتمان بومی‌گرایی به شدت تأثیر پذیرفتند و نقدهای صریحی به تجدد وارد کردند. رویه نویسندگان بومی‌گرای این دو مؤسسه ابعاد مثبت و منفی داشت؛ گاهی بدون بررسی علمی و سنجش آثار هنرمندان، به نقد و نفی آنان پرداختند و با مقایسه و مقابل هم قراردادن هنرمندانی همچون فروغ فرخزاد با پروین اعتصامی و طاهره صفارزاده، به دوگانه‌انگاری فرهنگی دامن زدند. با این همه، تلاش‌های آنان یا به عبارتی خوانش حداکثری از بومی‌گرایی، ابعاد مثبتی چون

۱. دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی (نویسنده مسئول)
(Q.hosein@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس
(mehdizamani12@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۴ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۹/۹

تعدیل غرب‌گرایی افراطی از طریق احیای هویت بومی و تأکید مجدد بر ارزش‌های اصیل بومی، ارائه رویکردهای جدید در حوزهٔ تعلیم و تربیت و در نهایت، معرفی و ستایش هنر و هنرمندان بومی‌نگر در پی داشت.

واژه‌های کلیدی: بومی‌گرایی، اطلاعات، کیهان، روزنامه، فرهنگ، سینما

مقدمه

یکی از ویژگی‌های رسانه‌ها به ویژه مطبوعات، ذهن خلاق و گریزان از سانسور نویسندگان آن است (محسنیان‌راد، ۱۳۷۳: ۱۰). با وجود اینکه برخی نویسندگان مؤسسه‌های اطلاعات و کیهان، به لحاظ گرایش‌های فکری غرب‌گرا بودند و با مضامین گفتمان متجدد حکومت پهلوی وجوه اشتراکی داشتند، در همین رسانه‌ها موارد فراوانی از وجوه افتراق با این گفتمان دیده می‌شود، چرا که هر یک از دو مؤسسهٔ اطلاعات و کیهان، با تعداد زیادی از نویسندگان و روزنامه‌نگاران در ارتباط بود که هر کدام علایق و دیدگاه‌هایی مخصوص به خود داشتند و منظومهٔ فکری آنها از سیاست اصلی و تعریف‌شده و، یا سیاست دیکته‌شده به آن مؤسسه متمایز بود. بنابراین اطلاعات و کیهان با وجود محدودیتی که در حوزهٔ سیاسی با آن مواجه بودند و نمی‌توانستند دیدگاه‌ها و سلاقی مختلف را هم‌پوشانی کنند، در حوزه‌های دیگر مشکلات کمتری داشتند و زمینه برای طرح ایده‌ها و گفتارهایی متنوع و مغایر با گفتمان متجدد حکومتی فراهم بود. هدف از این پژوهش، نقد روایت رایجی است که مؤسسه‌های اطلاعات و کیهان را کاملاً حکومتی و در خدمت اهداف گفتمان پهلویسم تعریف کرده است. با این اوصاف، این پرسش مطرح می‌شود که اطلاعات و کیهان به عنوان بزرگترین رسانه‌های مطبوعاتی کشور در عصر پهلوی دوم، کدام مسائل فرهنگی زمانه خود را نقد می‌کردند؟ دو مؤسسهٔ مطبوعاتی کیهان و اطلاعات، بیش از هر نشریه‌ای در دو دههٔ پایانی حاکمیت پهلوی شمارگان داشتند؛ برای تمام سطوح و اقشار جامعه نشریه منتشر می‌کردند (برزین، ۱۳۴۴: ۲۷ - ۲۹) و در میان اقشار مختلف خواننده داشتند (محقق داماد، ۱۳۹۴: ۲۰-۲۱). از این رو، در این بررسی کیهان و اطلاعات انتخاب شدند. به

لحاظ روش در این پژوهش کوشش شده است که داده‌های تاریخی روزنامه‌ها، در چارچوب مفهومی بومی‌گرایی توصیف و تحلیل شود. به علت زمان‌بر بودن بررسی تمام شماره‌گان روزنامه‌های اطلاعات، کیهان و نشریات هفتگی آنها در مدت دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، به گزینش دست زده و به طور تصادفی، از هر ماه، بین یک تا پنج شماره، بررسی و مطالب مرتبط با پژوهش از آنها استخراج شده است.

در بیشتر پژوهش‌ها از اطلاعات و کیهان، تصویری نادرست و مخدوش ارائه شده است. در کتاب *نهضت امام خمینی و مطبوعات رژیم شاه* (۱۳۸۱). نویسنده از همان آغاز، بی‌طرفی را که لازمه اصلی پژوهش علمی است، رعایت نکرده و رسانه‌های مکتوب این دوره را با عباراتی همچون «چاپلوسترین مدافعین دربار» و «درخدمت رژیم آمریکا» معرفی کرده است (قاسمی، ۱۳۸۱: ۳۶-۳۷). این پژوهش اگرچه مدعی بررسی مطبوعات و رویکرد آنها به نهضت امام خمینی است، جز یکی دو مورد، داده تاریخی عرضه نمی‌کند. کتاب *مطبوعات رژیم شاه؛ مطالعه موردی کیهان و اطلاعات* (۱۳۸۶)، به تفصیل رویکرد سیاسی این دو روزنامه را بررسی کرده، اما به رویکردهای فرهنگی-اجتماعی آنها اشاره‌ای نکرده است. نویسنده صرفاً، اخبار این دو روزنامه را تحلیل کرده، اما به مقالات، نوشته‌ها و گزارش‌های این دو روزنامه نپرداخته است. همچنین برخی مطالب کتاب در تناقض با نتیجه‌گیری است. نویسنده، این دو مؤسسه را به «حفظ جانب احتیاط و خودسانسوری و ارائه اخبار بی‌ضرر برای رژیم» (عابدینی مغانکی، ۱۳۸۶: ۱۳، ۵۳۵) متهم می‌کند، درحالی‌که در بخش «شاه و مطبوعات» به انتقادهای همان مطبوعات از عملکرد حاکمیت اشاره کرده است (همان، ۲۸۶-۲۸۷). محسن علینی در مقاله‌ای هفت‌صفحه‌ای به بررسی کلی مطبوعات این دوران پرداخته است. او بعد از ارائه تاریخچه‌ای از روزنامه‌ها و اعداد مفید، در نوشته‌ای که نشانه‌های یک‌جانبه‌گرایانه دارد، مطالب نشریات را سطحی، سرگرم‌کننده، ترویج‌دهنده ابتذال و فاقد هر نوع انتقادی معرفی می‌کند (علینی، ۱۳۸۴: ۶۰). این نویسنده نیز با تحدید محتوای مطبوعات به «الگوهای شبه‌مدرنیستی و وارداتی برخی از خوانندگان و هنرپیشه‌های سینما به عنوان سرمشق نسل جوان» (همان، ۶۱) از ارائه جنبه‌های بومی‌گرایانه مطبوعات غافل مانده است. مظفر شاهدی نیز در مقاله‌ای، به بررسی

موضوع سانسور پرداخته که با وجود توصیف مناسب از سانسور، چنین نوشته است: «طی سال‌های دهه ۱۳۴۰-۱۳۵۰ مطبوعات و روزنامه‌ها عاری از هر گونه محتوای قابل اعتنایی شدند.» (شاهدی، ۱۳۹۰: ۶۴) که گزاره‌ای مهم، اما بدون مصداق ارائه می‌دهد. افزون بر این، نویسندگان تاریخ انقلاب نیز هنگام تحلیل وقایع انقلاب، از این دو روزنامه به ویژه روزنامه اطلاعات، با القابی همچون نیمه‌رسمی و هوادار سلطنت (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۰۱ و ۲۴۸؛ کدی، ۱۳۶۹: ۳۵۷) نام برده‌اند، البته آبراهامیان، کیهان را روزنامه غیرحزبی و مستقل خوانده است. محسنیان‌راد نیز نشریات پیش از انقلاب را «مطبوعات خشتی» نامیده است (محسنیان‌راد، ۱۳۷۵: ۱۹۸).

ساختارهای خاص اجتماعی و ساختارهای معین مطبوعاتی، نوعی پیوند‌گزینی با هم دارند. به سخن دیگر مطبوعات در ایران، همواره تأثیرگذار و تأثیرپذیر بوده است. منطق ساختاری متمرکز و خودکامگی که در مقابل منطق ساختاری توزیع قدرت است، نوع ویژه‌ای از نظام مطبوعاتی را بر می‌گزیند (خانیکی، ۱۳۸۱: ۲۸). در ساختار توزیع قدرت، مداخله مستقیم شاه در مطبوعات به نظارت قانونی تبدیل می‌شود و توقیف نشریات به سادگی و بدون اعتراض دیگران میسر نمی‌شود و آزادی در آنها نمود بیشتری دارد، اما در ساخت خودکامه قدرت، میزان مداخله مستقیم دولت در مطبوعات، تغییر مکرر قوانین و تأسیس نهادهای نظارتی بیشتر می‌شود. در نتیجه، محدودیت و توقیف نشریات افزایش یافته و بر محتوای آنها کنترل بیشتری می‌شود (همان، ۳۰۴-۳۰۵). قریب به اتفاق پژوهش‌هایی که بررسی شد، از منظر ساختارگرایانه به مطبوعات این دوران نظر کرده‌اند و به آن تاخته‌اند و معایبش را دیده‌اند. در این پژوهش با عنایت به تأثیرپذیری مطبوعات از ساختار سیاسی، از رویکرد فردمحور یا همان کارگزاری، نقش نخبگان مطبوعاتی لحاظ و نظرات نویسندگان بررسی شده است. این دو مؤسسه گرچه به لحاظ ساختاری در چارچوب مشخصی قرار داشتند و محدودیت‌هایی بر آنها اعمال می‌شد، تا حدودی، اقدامات فردمحور در شکل‌دهی به فضای رسانه‌ای آنها تأثیر داشت. در تأیید این مدعا به گزارش‌هایی از ناخرسندی شاه از عباس مسعودی مدیر مسئول اطلاعات، به دلیل مندرجات این روزنامه باید اشاره کرد که در نهایت، به دوری او از حلقه نزدیکان دربار انجامید (احرار، ۲۰۱۰: ۴۶).

معرفی روزنامه‌های اطلاعات و کیهان

نخستین شماره اطلاعات، در ۱۹ تیر ۱۳۰۵ با نام «مرکز اطلاعات ایران» منتشر شد. پنج روزنامه‌نگار جوان ایرانی در سال ۱۳۰۲ این خبرگزاری فارسی را پایه‌گذاری کردند. اداره‌کننده اصلی آن، عباس مسعودی بود (مسعودی، ۱۳۵۴: ۳۴) که به همت او، روزنامه اطلاعات در مدت کوتاهی به بزرگترین بنگاه مطبوعاتی کشور تبدیل شد. اطلاعات، روزنامه‌ای محافظه‌کار و دست‌راستی شناخته می‌شد (اطلاعات دختران و پسران، ۷ ابان ۱۳۴۴: ۵-۴) روزنامه کیهان نیز از سال ۱۳۲۱، به جرگه مطبوعات کشور پیوست (کیهان، ۱۳۲۱: ش ۱) بنا به روایت‌های متعدد، این روزنامه با حمایت‌های مادی دربار تأسیس شد (میلانی، ۱۳۹۲: ۵۱۹؛ مسعودی، ۱۳۹۰). با این حال، در سال ۱۳۲۲ سه بار توقیف شد. در آغاز، گرایش‌های چپ‌متمایل به شوروی در آن بیشتر بود. پس از بازگشت مصباح‌زاده از سفری طولانی به آمریکا، سیاست آن تغییر و خطی میانه‌رو اتخاذ کرد؛ به طوری که در مهر ۱۳۲۵ آشکارا مخالف حزب توده شد. کیهان از همین دوران، سرویس خبررسانی خود را گسترش داد و در زمره پر شمارگان‌ترین روزنامه‌ها قرار گرفت (ساتن و کهن، ۱۳۸۰: ۳۸-۳۹).

چارچوب مفهومی: بومی‌گرایی

بومی‌گرایی که بعد از جنگ دوم جهانی به وجود آمد و گسترش یافت، بیان‌کننده واکنش فرهنگی بسیاری از روشنفکران جهان سوم بود. آنان با غنیمت‌شمردن استقلال سیاسی، کوشیدند از تعلقات فکری وابسته به غرب جدا شوند (بروجردی، ۱۳۹۲: ۳۰). بومی‌گرایی جریان تعدیل غرب‌گرایی مفرط و تأکید مجدد بر نظام ارزش‌ها، فرهنگ، تاریخ و دین خویش است. در نگاه بومی، برداشت‌هایی که با دین و نظام ارزش‌های بومی منافات داشته باشند، طرد می‌شوند و در عین حال، اقتباس مثبت و از روی تشخیص، از تکنولوژی و دانش غربیان ادامه می‌یابد (نقوی، ۱۳۶۱: ۲۰). به گفته ویلیامز

^۱Nativist

و کریسمن، بومی‌گرایی در باورهای عمیقی همچون مقاومت در برابر فرهنگ غیر، ارج نهادن به هویت اصیل قومی و آرزوی بازگشت به سنت فرهنگی آلوده نشده بومی ریشه دارد (Williams, 1994: 14). دوزخیان روی زمین فرانتس فانون، هندسه گفتمان روشنفکر جهان سوم را تغییر داد. برای نخستین بار غرب، و نه فرد بومی، به عنوان دیگری تعریف شد. بومی‌گرایی افزون بر سطح سیاسی، در سطوح فرهنگی نیز مطرح شد. بومی‌گرایان به نام اصالت‌بخشی و بومی‌کردن دانش‌ها، جهان‌شمولی و نیز خودشیفتگی رهیافت‌های علوم اجتماعی غربی را به چالش کشیدند (بروجردی، ۱۳۹۲: ۳۴) رابرتسون بومی را «ایدئولوژی خانه» معرفی کرده که پارادایم‌های نوستالوژیک دارد. به نظر او بومی‌گرایی در «نگاه به تاریخ به‌عنوان زوال، احساس ازدست‌رفتن خویشتن خود و احساس ازدست‌رفتن استقلال تجسم می‌یابد.» (رابرتسون، ۱۳۸۰، ۳۲۶-۳۲۷) گلنر، بومی‌گرایی را از اشتیاق به حفظ عزت نفس ناشی می‌داند. از منظر او، بومی‌گرایان از تقلید صرف، درجه دوم بودن و بازتولیدکردن الگوی بیگانه دوری می‌جویند (میرسپاسی، ۱۳۸۴: ۱۶۷). بومی‌گرایی با مطالعات پسااستعماری - که با ادوارد سعید و تفکرات او نضج گرفت و بر دیدگاه انتقادی به شرق‌شناسی استوار است - نسبت نزدیکی دارد. هدف از مطالعات پسااستعماری، خارج‌شدن از پارادایم استعماری یعنی، خروج از رابطه قدرت مبتنی بر سلطه جهان غرب بر دیگر مناطق جهان است. به تعبیر بوین و رطانسی، رویکرد پسااستعماری درصدد آشکارکردن این نکته است که سلطه اقتصادی و سیاسی که عناصر کلیدی امپریالیسم و استعمار در قرون هجدهم و نوزدهم میلادی را تشکیل می‌داد، همواره با صورت‌بندی و تکوین گفتمان‌هایی همراه بود که در آنها غیریت مردمان آسیا و آفریقا به‌عنوان هویتی مستقل نفی می‌شد و از نظر فرهنگی نیز استعمار می‌شدند و در این ضمن، برتری فرهنگی و اخلاقی قدرت‌های اروپایی نیز همواره بدون کمترین تردید و، یا پرده‌پوشی تأیید و تأکید می‌شد (بوین و رطانسی، ۱۳۸۰: ۴۱۹). در بومی‌گرایی با آگاهی از هدف استعماری شرق‌شناسان، بر بازشناسی جدیدی از هویت خویش تأکید می‌شود. در این پژوهش، سوبیه‌های بومی‌گرایی با رویکرد توصیفی - تحلیلی، از خلال نشریات منتشرشده مؤسسه‌های

مطبوعاتی اطلاعات و کیهان در دو دهه پایانی حکومت پهلوی استخراج شده است.

«هویت» محور کانونی بومی‌گرایی در اطلاعات و کیهان

بومی‌گرایی بر اساس تفکری شکل می‌گیرد که دغدغه هویت دارد، تا بر چیستی، ویژگی‌ها و نقش فرهنگ بومی در برابر فرهنگ دیگران و جهان‌شمولی آن انگشت تأکید بگذارد. نگاه هویت‌محور در اطلاعات و کیهان را در مقالات، مجموعه مقالات و گزارش‌هایی باید دید که نویسنده آن با به چالش کشیدن هویت جدید غربی در حوزه فرهنگی، به دنبال پاسخ جدیدی برای آن است، پاسخی که خود نویسندگان و تحت‌تأثیر فضای ضدغربی پدید آورده بودند که فرید و آل احمد به آن پر و بال دادند. روزنامه کیهان، پیشرو مطالب مربوط به هویت است. در این روزنامه در چند نوبت، سلسله مقالاتی از اسماعیل فرهنگ قائم‌مقامی منتشر شد که تحصیلاتش را در جامعه‌شناسی انتقادی گذرانده بود. او از جمله روشنفکران غیردینی و غیروابسته‌ای است که دردش، جامعه ایران است. غیردینی است از آن جهت که الزامی در حفظ شرعیات اسلامی در عقاید او دیده نمی‌شود، چنان که در نوشته‌ای، بدون نام بردن و ستایش از رضاشاه، از کشف حجاب دفاع کرد (قائم‌مقامی، ۲۵۳۵ [الف]: ۱۲۷). قائم‌مقامی در مقام منتقد، برخی از اصول جامعه لیبرال سرمایه‌داری و اثرگذاری آن را در بی‌هویتی و بیگانه‌شدن انسان ایرانی بررسی کرده است (همان، ۱۲). یکی از مقالات او «نقد تجددگرایی و تغییر نقش انسان معاصر» بود. و نیز «روح بی‌خانمان» عنوان کلی‌ای بود که در هر شماره عنوان فرعی دیگری به آن اضافه می‌شد. او در مقاله «تنهایی و انسان نوین» به نقد عملکرد تجدد و برخی مؤلفه‌های آن همچون فردگرایی و لذت‌جویی پرداخته است. قائم‌مقامی با به چالش کشیدن روابط اجتماعی جدیدی که از پس نوگرایی و تجدد در میان انسان‌ها افزایش یافته بود، به «عواقب خطرناکی که تجدد برای انسان‌ها به ارمغان آورده است» هشدار داد (کیهان، ۱۶ آذر ۱۳۵۵: ۷).

قائم‌مقامی در این مقالات دقیقاً، با لحن و گفتار غرب‌ستیز فرید و آل احمد سخن می‌گوید و به شدت از نفوذ غرب و هجوم صنعتی و فرهنگی آن در جامعه ایران نگران است و بارها از این موضوع یاد می‌کند. او در مقاله «وجدان آگاه ملی»، تغییر نکردن فرد ایرانی را بر اثر «هجوم صنعتی غرب» ضروری و غربی‌شدن را خواست غربیان بیان

می‌کند (کیهان ۲۴ آذر ۱۳۵۵: ۶). در جای دیگری به صراحت، از نقشه غربی‌ها برای درهم شکستن شرقی‌ها و اروپایی کردن آنها سخن می‌گوید (قائم مقامی، [ب] ۲۵۳۵: ۲۲-۲۳). بنابراین در دیدگاه قائم مقامی، غرب یک دیگری تعریف شده که همواره به دنبال هجوم به شرق است و نقش انسان شرقی، آگاهی و بیداری و جلوگیری از این هجوم تعریف شده است. نوشته‌هایی نیز از فخرالدین شادمان، از میانه‌روهای بومی‌گرایی در آن عصر، منتشر می‌شد. او نیز با نگرش تعامل انتقادی به روابط با غرب می‌نگریست و به ریشه‌های فرهنگی ایرانی توجه ویژه‌ای داشت. شادمان، افراط قائم‌مقامی و اسلافش همچون فردید را نداشت و «معتقد بود تجدد با بی‌بستگی عجین نیست. برعکس، تجدد واقعی را با خودشناسی اصیل همراه می‌دانست.» (میلانی، ۱۳۷۸: ۱۹۴) مهم‌ترین نوشته شادمان یعنی، تسخیر تمدن فرنگی، نگرش‌های او را به علل عقب‌افتادگی جامعه ایران و نقد غربگرایان نشان می‌دهد (شادمان، ۱۳۲۶: ۸-۲۰). شاید وجه تفاوت شادمان با دیگر همفکرانش در این موضوع، این بود که او روشنفکر «چه می‌خواهم» در برابر روشنفکران «نمی‌خواهم» است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۲۳). در واقع شادمان، افزون بر انتقاد از هجوم غرب، راهکارهایی نیز برای برون رفت از وضعیت زمانه خود داشت. او با وجود نگرانی از وضعیت بغرنج دو قرن اخیر ایران، ناامید نبود و با نگاه امیدوارانه به آینده نوشت: «از دو قرن پیش با فرنگ و تمدن فرنگی اول کمی و بعد به تدریج اندکی بیشتر آشنا شده‌ایم و هر چند هنوز به این اقیانوس کبیر علم و هنر راه نبرده‌ایم. امروز چندان که در ابتدا مرعوبش بودیم، از آن نمی‌ترسیم و امید هست که هر روز آشنائی بیشتر و بیم کمتر شود تا با مایه فرهنگ خود پس از تسخیر تمدن فرنگی سیمین دوران عظمت خویش را آغاز کنیم.» (اطلاعات جوانان، ۴ خرداد ۱۳۴۰: ۲). افزون بر این موارد، یکی دیگر از موضوعاتی که از تقویت هویت به‌عنوان کانون محوری بومی‌گرایی در این دو مؤسسه نشان دارد، توجه به سخنان اندیشمندانی بود که الگوی غرب محور را نقد می‌کردند. برای نمونه روزنامه کیهان، مشروح سخنان احسان نراقی را در دانشکده اقتصاد درباره توریسم منتشر کرد. نراقی در این جلسه، بر ضرورت تأمل درباره نقش جهانگرد و جهانگردی در کشورهای آسیایی و نپذیرفتن الگوی غربی سخن گفت (اطلاعات، ۱۶ اردیبهشت ۲۵۳۵: ۲۴). همچنین

علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی از فعالان سیاسی مخالف شاه، در مجله کیهان هفته هنگام نقل داستانی با ترسیم فضای غرب‌زده، تمایل برخی افراد جامعه ایرانی را برای غربی‌شدن نکوهش می‌کند: «الان تا آدم نگوید من اروپا رفته‌ام جزو آدمها حساب نمی‌شود. مایه‌ای ندارد، چیزی هم نمی‌خواهد، فقط قدری پول لازم است. در برگشتن هر چه هم بگویی عوام‌الناس قبول می‌کنند.» (کتاب هفته، ۱۲ فروردین ۱۳۴۱: ۱۲) نویسندگان کیهان و اطلاعات، با اختصاص مطلب به نویسندگان و شاعران خارجی، فرصتی برای نفی غرب پیدا می‌کردند. برای نمونه روزنامه کیهان در شماره‌ای با عنوان «آشنایی با نزار قبانی شاعر و نویسنده معاصر عرب»، اندیشه‌های ضد غربی و انتقادی این شاعر را بررسی کرده است. فرامرز حسینی تهیه‌کننده این گزارش، مسئله وابستگی کشورهای عربی به غرب را در اندیشه نزار قبانی چنین بیان می‌کند: «او چشم به راه بودن ملت عرب را به کوشش‌های کی‌سینجر مسخره می‌کرد، زیرا قبل از جنگ اکتبر همه عقیده داشتند که کی‌سینجر قیصر است و وقتی کی‌سینجر در اول اکتبر ۱۹۷۳ با وزرای خارجه عرب ملاقات کرد و به آنها گفت که از ایالات متحده انتظار معجزه نداشته باشید، نزار مقاله‌ای نوشت تحت‌عنوان «آش وزیر» و طی آن گفت: تاریخ ثابت کرده است که کسی که در خانه خود آشپزی نمی‌کند مادام‌العمر گرسنه است.» (کیهان، ۳۰ بهمن ۱۳۵۴: ۱۱).

نقد شعر و سینمای «غربی‌شده و مبتذل» و تشویق هنر ایرانی

بومی‌گرایان در جهت هویت‌بخشی به خویش، بدون بررسی علمی و سنجش آثار هنرمندان به گمان آنان «غربی‌شده»، با نگاه تا حدود زیادی احساسی، به نقد و نفی آن می‌پرداختند. آنان در این بخش، هم از «نمی‌خواهم»‌های خود سخن گفته‌اند و هم نمونه‌هایی از «چه می‌خواهم»‌ها را معرفی و بررسی کرده‌اند. یک نمونه برجسته از «نمی‌خواهم» را می‌توان در نفی شاعری همچون فروغ توسط قائم‌مقامی مشاهده کرد. روزنامه کیهان با چاپ نوشته قائم‌مقامی در نقد صریح و بی‌پروا از فروغ فرخزاد و طیفی از روشنفکران آن دوره، در روزهایی که به «هفته جایزه فروغ» معروف شده بود و طبیعتاً وضعیت غالب و رویه حاکم بر آن ستایش از فروغ بود، با حرکت خلاف جریان،

وجه استقلال طلبی‌اش را نشان داد، گرچه قضاوت‌های قائم‌مقامی، خارج از انصاف و تحت تأثیر وضعیت حاکم بر جامعه شکل گرفته بود. قائم‌مقامی در این مقاله، از انحطاط اخلاقی و حاکم شدن ضد ارزش‌ها گفت: «سخن آغاز کردن، دشوار است، زیرا خلاف جهت فکری شبه‌روشنفکران قدم برداشتن، اراده‌ای بس عظیم می‌خواهد و من در تردیدم... نمی‌دانم از کجا شروع کنم، ولی می‌دانم که برای چه «باید» بگویم، زیرا که اخلاقیات در زوال‌اند و سقوط معنویت نزدیک. بین «باید اجتماعی» و منافع فردی مجبور به انتخاب یک راه هستیم و من در راه منافع جمع قدم برداشتن را انتخاب کردم هر چند که تمامی شبه‌روشنفکران علیه من برخیزند.» (کیهان، ۳۰ بهمن ۱۳۵۴: ۱۲) او در این مقاله که با عنوان «فروغ و شبه‌روشنفکران» در کیهان منتشر شد، از تقدیس و بت‌واره شدن فروغ در جامعه انتقاد کرد و با کندوکاو در آثار فروغ، او را شاعری تک‌بعدی معرفی کرد و حتی مجموعه شعر «تولد دیگری» او را نیز کم‌مایه دانست (همان). او با مقایسه فروغ با دو زن شاعر دیگر (پروین اعتصامی و طاهره صفارزاده)، به ستایش آن دو پرداخت و از سوءاستفاده به تعبیر او «شبه‌روشنفکران» از مضامین جنسی شعر فروغ انتقاد کرد (همان). از دید قائم‌مقامی، یک هنرمند می‌بایست به جامعه خود تعهد اخلاقی داشته باشد، از این‌رو، دیدگاه «هنر برای هنر» را مطرود می‌دانست. اگرچه دغدغه قائم‌مقامی در حفظ ارزش‌های اخلاقی ستودنی است، نادیده گرفتن ارزش‌های شاعری فروغ، داوری‌های او را به سمت ایدئولوژیک شدن سوق داده است. افزون بر این موارد، سینمای ایران نیز که در دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ تحت تأثیر فیلمفارسی قرار داشت، با نقد صریح این جریان بومی‌نگر مواجه شد. در یکی دیگر از شماره‌های کتاب هفته (کیهان هفته)، با نقد رویکرد حاکم بر سینمای ایران، بی‌هویتی و نداشتن اصالت و همچنین نمایش صحنه‌های تحریک‌کننده جنسی سرزنش شد که سینمای غرب عامل رواج آن بود (کتاب هفته، ۳۱ شهریور ۱۳۴۲: ۱۵۱). روزنامه‌های اطلاعات و کیهان نیز بارها، از کیفیت پایین و نامطلوب صنعت سینمایی کشور انتقاد کردند. برای نمونه در کیهان، هم‌زمان با برپایی جشنواره جهانی فیلم در ایران، فیلم‌های فارسی سرزنش شدند (کیهان، ۷ آذر ۱۳۵۳: ۵) این دو روزنامه به این موارد اکتفا نکردند، بلکه به نقد برنامه‌های فرهنگی تلویزیون ملی ایران نیز پرداختند. هوشنگ

حسامی در نوشته‌ای طنز با عنوان «چهره واقعی حافظ شیراز در برنامه قول و غزل تلویزیون»، کارشناس و مجریان برنامه را به سخره گرفت و بی‌توجهی آنان را به آنچه او «نگرش و موضع عقیدتی حافظ» می‌دانست، سرزنش کرد (کیهان، ۲۳ اردیبهشت ۲۵۳۵: ۱۳). در موضوع سینما کوشش می‌شد فیلم‌هایی معرفی شوند که تا حدودی بار فرهنگی داشتند و فاقد ابتذال فیلمفارسی بودند. بنابراین به ساخت فیلم‌هایی همچون «گاو» مهرجویی و «قیصر» کیمیایی واکنش نشان دادند و ضمن تحسین آنها، این گونه آثار را روال صحیح سینما دانستند (اطلاعات، ۲۴ مهر ۱۳۴۸: ۲۰) بومی‌گرایان فرهنگی اطلاعات و کیهان، پس از ترسیم چنین نقشه‌ای در حوزه سینما، چهره‌های شاخص این جریان را معرفی کردند. از جمله افرادی که با آنها به دفعات گفت‌وگو شد، به علی حاتمی (کیهان، ۲۲ اردیبهشت ۲۵۳۵: ۱۲) داریوش مهرجویی، بهرام بیضایی (کیهان، ۲۸ اردیبهشت ۲۵۳۵: ۲۸) خسرو هریتاش (۱۹ اردیبهشت ۲۵۳۵: ۱۹) و همچنین بازیگرانی همچون علی نصیریان (کیهان، ۱۱ اردیبهشت ۲۵۳۵: ۲۱) و کارگردانان جوان تئاتر همچون محمد صالح علاء باید اشاره کرد. همچنین یکی از دلایل رونق فیلم‌های مبتذل را پذیرش آن از سوی مردم دانستند و برای تغییر ذائقه آنان کوشیدند (اطلاعات، ۲ خرداد ۱۳۴۹: ۲)

مصادیقی برجسته از «چه می‌خواهم» نویسندگان اطلاعات و کیهان، در سلسله شماره‌های متعددی در حوزه ادب و فرهنگ منتشر شد که بومی‌نگری را با ویژگی غیرایدئولوژیک نشان می‌دهد. در نشریه اطلاعات دختران و پسران در اواخر دهه ۱۳۴۰ و اوایل دهه ۱۳۵۰ معرفی شخصیت‌های بزرگ دینی و فرهنگی آغاز شد. برخی گزارش‌های بخش «با مشاهیر و مفاخر علم و ادب و هنر ایران آشنا شوید»، یادداشت‌های زیر را شامل بود: شرح‌حالی از محمدباقر مجلسی (اطلاعات دختران و پسران، ۱ آذر ۱۳۴۹: ۷) «ناصر خسرو، مرد تنها» (همان، ۲۵ بهمن ۱۳۴۳: ۱۰-۱۱)؛ «داستان‌های رستم و سهراب» (همان) و... این دیدگاه فراخ به موضوعات فرهنگی و پرداختن به شخصیت فقه‌محور و سنت‌گرایی همچون محمدباقر مجلسی و نیز حکیم و فیلسوفی همچون ناصرخسرو، رویه و رویکرد اصلی این دو مؤسسه مطبوعاتی بود که در بیشتر شماره‌های روزنامه و نشریات ادواری آن قابل ردیابی است. همچنین یکی از

طرح‌های ابداعی اطلاعات دختران و پسران، دیدار از هنرمندان و نخبگان جامعه با حضور در خانه آنها در «برنامه عصرانه» بود (اطلاعات دختران و پسران، ۱۷ آبان ۱۳۴۴: ۶). برای نمونه گزارشی از سعید نفیسی منتشر شد: «خاطرات جوانی پیران قوم: گفتگویی با سعید نفیسی» (اطلاعات جوانان، ۱۳ آبان ۱۳۳۸: ۱۷). شاید همین نگرش غیرایدئولوژیک بومی محور اطلاعات و کیهان سبب شده بود، افرادی همچون اخوان ثالث با آنها به گفت‌وگو بنشینند: «گفت و شنود بتول عزیزپور با اخوان درباره صادق هدایت» (کیهان، ۲۶ بهمن ۱۳۵۴: ۹).

گرداندگان کیهان و اطلاعات به منظور توجه به نخبگان علمی و فرهنگی کشور، گزارش‌ها و طرح‌های بدیعی در نظر گرفتند. برای نمونه کیهان در بخشی با عنوان «گفتگوی ۳۵» صفحه تازه‌ای گشود که مشتمل بر مصاحبه با ۳۵ چهره سرشناس و نخبه در زمینه‌های گوناگون بود. در این فعالیت نیز تکثرگرایی فرهنگی دیده می‌شود. چنان‌که گزارش‌هایی از دیدار و گفت‌وگو با نخبگان فرهنگی متمایل، بی‌طرف و در مقابل حاکمیت (بیشتر اعضای کانون نویسندگان) منتشر می‌شد. این گفت‌وگوها با پرویز ناتل خانلری آغاز شد (کیهان، ۱ آذر ۲۵۳۵: ۱ و ۱۳). اطلاعات نیز برنامه فرهنگی «چهره در چهره شاعر» را در سرویس هنری روزنامه راه انداخت. در این برنامه‌ها عموماً شخصیت‌هایی دعوت می‌شدند که در زمره اعضای مؤسس یا برجسته کانون نویسندگان ایران بودند، مجمعی که مشخصاً در برابر فعالیت‌های فرهنگی حاکمیت و انجمن قلم ایران شکل گرفت. برای نمونه باید از رضا براهنی، نادر نادرپور، محمدعلی سپانلو و ... نام برد که در میزگردها و دیگر برنامه‌های این دو مؤسسه شرکت می‌کردند (اطلاعات، ۹ مرداد ۱۳۴۷: ۱۱) این برنامه‌ها و حضور چهره‌های شاخص هنری در آن گذرا نبود، بلکه در هر شماره با حضور یکی از آنها و، یا حضور مستمر آنها برگزار می‌شد. برای مثال در مهر ۱۳۴۹ در صفحه هنر روزنامه اطلاعات، نوشته‌های محمدعلی سپانلو از اعضای مؤسس کانون نویسندگان ایران، به طور مرتب منتشر می‌شد. نمونه دیگر این طرح در حوزه نقاشی بود که با حضور سهراب سپهری، بهمن محمص، پرویز تناولی و ابوالقاسم سعیدی و گفت‌وگوی جواد مجابی (زوبین) با آنها انجام شد (اطلاعات، ۲۲ مرداد ۱۳۴۷: ۱۰) در شماره دیگری در صفحه «هنر امروز»، منصور

تاراجی، مجابی و امامی گردانندگان این صفحه، درگذشت حسین بهزاد را چنین تسلیت گفتند: «ابر مرد مینیاتور ایران درگذشت و ما به همراه ملت ایران در سوگ او اندوهگینیم.» (اطلاعات، ۲۳ مهر ۱۳۴۷: ۱۱)

اگر پرداختن این روزنامه‌ها به موضوعاتی که در بالا اشاره شد، کمتر محل مناقشه گفتمان پهلویسم و گفتمان‌های رقیب بود، بازتاب برخی از مسائل در این مؤسسه‌ها بی‌شک، به جدال گفتمان‌های مزبور دامن می‌زد. برای مثال اطلاعات و کیهان، اخباری از کانون نویسندگان ایران را که درون مایه‌های بومی‌گرایانه داشت، در صفحه هنر امروز درج می‌کردند (اطلاعات، ۱۷ بهمن ۱۳۴۷: ۱۱) این تشکّل ادبی که جمعی از نویسندگان همچون آل احمد و دیگران تشکیل داده بودند، به گفته خودشان برای مقابله با سانسور و در بیان کلی آن استبداد، به ترویج ادبیات «متعهد» می‌پرداختند. مهم‌تر از کانون، برجسته‌کردن الگوهای ورزشی مورد علاقه گفتمان‌های رقیب از جمله گفتمان اسلام سیاسی بود. غیرسیاسی بودن حوزه ورزش سبب شده بود که بخشی از خواسته‌ها و گرایش‌های مردم ایران در این روزنامه‌ها انعکاس یابد. دو نمونه برجسته از این موارد، انعکاس گسترده اخبار مربوط به غلامرضا تختی کشتی‌گیر معروف ایرانی و محمدعلی کلی مشت‌زن مسلمان آمریکایی بود. تختی پس از معروف شدن، همواره در رصد روزنامه‌های اطلاعات و کیهان بود و حتی زندگی شخصی او، از جمله مسافرت ماه‌عسل به همراه همسرش، یکی از صفحات این روزنامه‌ها را به خود اختصاص داده بود. افزون بر این، در زمان مرگ تختی، تیتراژ اول این روزنامه‌ها، اعلان فوت وی و انعکاس گسترده ناراحتی مردم بود (اطلاعات، ۹ بهمن ۱۳۵۲: ۳).

توجه به موسیقی‌های محلی یکی از موضوعات این دو مؤسسه در صفحه هنر بود (کیهان، ۲۱ تیر ۱۳۵۵: ۲۹). کیهان، با ارائه گزارشی از برگزاری موسیقی سنتی ایران در جشن هنر شیراز و نحوه اجرای آن، درباره بهره‌گیری و پایبندی به موسیقی ملی سخن گفت و به کسانی که ذائقه مردم را به سمت موسیقی‌های غیرایرانی سوق می‌دهند، هشدار داد (کیهان، ۱۰ شهریور ۱۳۵۲: ۱۴). این روزنامه در سال‌های بعد با افزایش موسیقی‌های غربی، خطر نابودی موسیقی اصیل ایران را به دلیل تقلید از غرب برجسته

کرد (کیهان، ۹ اردیبهشت ۱۳۵۵: ۱۸).

نگرشی جدید به آموزش و پرورش

چالش تقلید از غرب که آل احمد با کتاب *غرب زدگی* ایجاد کرد، برخی نخبگان فرهنگی را در حوزه تعلیم و تربیت به فکر فرو برد و مباحثه‌های طولانی‌مدت را در این زمینه در میان آنها موجب شد. از این رو و در واکنش به چنین نگرشی، نشریه‌ی از نیمه‌ی سال ۱۳۴۲، «کتاب هفته» با گشودن فصلی با عنوان «بحث آزاد درباره‌ی فرهنگ ایران»، به چالش بین سنت و تجدد در حوزه‌ی تعلیم و تربیت پرداخت و راه‌حل میانه‌ای برگزید. در مقدمه‌ی شروع این مباحث، به لزوم آگاهی از جابه‌جایی ارزش‌ها در میان جوانان توجه داده شد که نتیجه‌ی ورود سریع مظاهر تمدنی جدید غرب بود: «سینما و مطبوعات و وسایل ارتباطی سریع مانند هواپیما و رادیو و اخیراً تلویزیون، مفاهیمی در ذهن جوانان ما وارد کرده‌اند که ریشه‌ای در سنن فرهنگی دیرین ما ندارند برای آنکه بهتر بتوانیم در جهت پیشرفت گام برداریم، جای آن است که درباره‌ی فرهنگ و تمدن و هنر ایران و موقعیت کنونی آن بحثی به میان آریم، نیک و بد و قوت و ضعف آن را بسنجیم و آنچه را که داشتیم و داریم با نیازمندی‌های کنونی نسلی که در حال رشد است مقایسه کنیم... زیاده‌روی‌ها و راه‌های بن‌بست، یا پریپیچ و خم و پرخرج نشان داده شود.» (کتاب هفته، ۳۰ تیر ۱۳۴۲: ۹۳-۹۴) در نخستین مقاله، آشفتگی وضع تربیت به لحاظ یکسان‌نبودن اهداف تربیتی مدارس نقد شده بود. نویسنده‌ی این مقاله، هم بر مدارس تازه تأسیسی همچون جامعه‌ی تعلیمات اسلامی می‌تازد که اسلام‌گرایان راه اندازی کرده بودند، و هم منتقد مدارس غربی است: «محصول این گونه تربیت برای کشوری غیر از ایران در نظر گرفته شده است و فاقد بستگی ملی و شناسائی ملت به میزان کافی است. کمتر محصلی را که در خارج تحصیل کرده است می‌یابیم که یا دچار شکست و یأس نگشته یا با هم‌رنگ‌جماعت شدن اثر نیکوی تربیت گذشته خود را از میان نبرده باشد.» (همان، ۹۷)

در موضوع چالش‌های پیش‌روی آموزش عالی، علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی از طرفداران جبهه‌ی ملی و مصدق (خاطرات شفاهی دانشگاه هاروارد، ۱۹۸۴م؛ دهباشی، ۲۰۱۰: ۳۱) را در حوزه‌ی روزنامه‌نگاری باید پیش‌تاز سید جواد طباطبایی به

حساب آورد. طباطبایی در این مسئله به این نکته تأکید دارد که برای جبران عقب‌ماندگی، به شناخت هم‌زمان «نظام سنت قدمایی» و «نظام معرفتی جدید مغرب زمین» نیاز است: «من ایرانی نیاز به دو چوب زیر بغل دارم تا نیستم. نخست اینکه باید بفهمم فارابی چه می‌گوید، دوم اینکه بفهمم کانت یا دکارت چه می‌گویند. این دو در واقع عصای دست ما هستند.» (طباطبایی، ۱۷۴) طباطبایی در کتاب نظریه حکومت قانون در ایران، اصرار دارد که برای شناخت فرهنگ ایران نباید بر مفاهیم جدید غربی تکیه کرد (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۶۵۸). حاج‌سیدجوادی نیز در سلسله مقالاتی که با نام مستعار «آگاه» در کیهان منتشر کرد، به نقد فرهنگ علمی کشورهای توسعه‌نیافته در شناختن صحیح سنت‌های علمی و فرهنگی خود و تلاش بی‌فایده آنان برای تطبیق دستاوردهای علمی غرب اشاره کرد و در نهایت، نزدیک‌شدن و درهم‌آمیختن فرهنگ کنونی ایران را با فرهنگ غرب موجب تولد «موجودی ناقص‌الخلقه و نارسا» دانست (کیهان، ۸ خرداد ۱۳۴۸: ۶). حاج‌سیدجوادی، در عین‌آنکه منظومه فکری تجدد را درک کرده بود، منتقد تقلید کورکورانه از غرب بود و به تعامل انتقادی با تجدد در حوزه فرهنگ نظر داشت، از این‌رو در مقالات متعددی، خواستار اجرای واقعی دموکراسی در کشورهای جهان سوم شد. در این مقالات می‌توان گونه‌های نگرش او را درک کرد: «سهمی از درآمد و سهمی از دخالت»، «معادله منطقی برای دموکراسی»، «آزادی هیچ‌وقت زیادی نیست» «انسان دموکراسی» و «جغرافیای آزادی» (حاج‌سیدجوادی، ۲۵۳۶).

نقادی‌های نویسندگان این دو مؤسسه در حوزه آموزش، به سیاست‌های دولتی به ویژه یکی از ارکان انقلاب سفید یعنی، انقلاب اداری هم رسید و تقلید از الگوهای خارجی نفی شد: «آقای نخست‌وزیر در سمینار ارزش‌یابی امور نخست‌وزیری می‌گوید که امر انقلاب اداری کند است و مسیر انقلاب اداری از مدار بسته خارج نشده است. به نظر ما علت این کار آن است که انقلاب اداری خودش از اصل در مدار بسته مطرح شد و به صورت مسئله روز در دانشگاه‌ها و محافل علمی و روشنفکری به بحث و مطالعه گذاشته نشد... مسائل اجتماعی مختلف خود را نمی‌توانیم با تقلید صرف از الگوهای

دیگران حل و فصل کنیم.» (کیهان، ۳ خرداد ۱۳۴۸: ۶)

مقاومت در برابر فرهنگ غیر با نقد آداب و رسوم «فرنگی»

در ایران دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ تحت تأثیر رسانه‌های جمعی، تمایل به شیوه و زیست غربی به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. مهم‌ترین مؤلفه‌های این زیست که جامعه ایرانی با آن بیگانه بود، عبارت بود از: پوشش‌های جدید و مد غربی، خوراک غربی، زندگی با حیوان خانگی و معاشرت‌های خارج از عرف. ابوالقاسم حالت طنزپرداز معروف، پس از بازگشت از سفرش به آمریکا در سال ۱۳۵۲، مقالات انتقادی‌ای دربارهٔ رواج رسوم غربی در کیهان منتشر کرد. دربارهٔ جایگاه حالت در ادبیات و تسلط او بر فنون ادبی و اجتماعی ایران، جمالزاده در مقاله‌ای با عنوان «بحثی درباره آثار یک شاعر بزرگ معاصر»، او را شاعری توانا معرفی کرد و نوشته‌های او را لطیف و شیوا و در عین حال نیش‌دار و طعنه‌آمیز خواند (حالت، ۱۳۷۹: ۳۱). حالت در یکی از نوشته‌هایش به زبانی طنز، رسوم فرنگی را به تمسخر می‌گیرد که در ایران باب شده بود. او با تیترا «سگ بازی‌های اونا سیس^۱ - مولتی میلیاردی یونانی‌های وطنی دیدنی است»، نگهداری و سرگرمی مردم با حیوانات به ویژه سگ را سرزنش کرده و می‌نویسد: «پدر خدا بیامرز که قصاب بود اگر دستش زیر ساطور می‌رفت یک تکه استخوان پیش سگ نمی‌انداخت می‌گفت سگ نجس است. من هم که زیر سایه او بزرگ شده‌ام طبیعتاً از سگ بدم می‌آید، ولی برای اینکه امل و قدیمی قلمداد نشوم هر طوری که هست دندان روی جگر می‌گذارم و به بوسیدن و لیسیدن سگ تظاهر می‌کنم.» (کیهان، ۸ خرداد ۱۳۵۶: ۸)

احمد احرار نیز همچون ابوالقاسم حالت به کنایه، خو گرفتن بیش از حد به اروپایی‌ها و سیاست دولت در واردات بیش از حد محصولات غربی را با نام بردن از «سگ بولدوک»، «مرغ همپشایر»، «گوسفند مرینوس» و «خروس اسرائیلی» نقد کرده و می‌نویسد: «وقتی روی زمین همه چیز فرنگی شد هوا هم فرنگی می‌شود. شما هم باید زحمتی بکشید و خودتان را به این هوای اروپایی عادت بدهید. همان‌طور که به لباس اروپائی، به زندگی اروپایی، به تمدن اروپائی اخت شده و عادت کرده‌اید. این نمی‌شود

^۱ http://historiaybiografias.com/biografia_onassis

که قوانین زمینی تغییر کند و اروپایی شود، اما قانون هوا همان‌طور ایرانی باقی بماند!» (اطلاعات، ۲۸ فروردین ۱۳۴۸: ۱۳) در هر دو نوشته، نگرانی از گسترش فرهنگ غربی در ایران به زبانی طنزآمیز بیان شده است. خفقان سیاسی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، مجال طرح بی‌پرده انتقادات سیاسی را به نویسندگان نمی‌داد، بنابراین سعی می‌شد در لفافه قلمرو سیاست نقد شود. احمد احرار در یکی دیگر از مقالاتش، توسعه‌نیافتگی سیاسی مملکت را که بر اثر مشارکت ندادن مردم و نخبگان سیاسی پدید آمده بود، با نقل خاطره و تمثیل نقد می‌کند. او در این نوشته، هم از به زندان افتادن شخص «سرشناس و با اسم و رسم» و هم از بی‌توجهی نظام حاکم به افراد جامعه سخن می‌گوید (اطلاعات، ۱۶ دی ۱۳۴۶: ۱۱).

در اوایل دهه ۱۳۴۰، اطلاعات ستونی با عنوان «انتقاد» داشت که اکثر مقالات آن را حسن حاج‌سیدجوادی برادر علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی می‌نوشت کسی که جمالزاده او را از نویسندگان دلسوز می‌دانست (ابراهیمیان، ۱۳۹۲). این ستون دربردارنده مقالات انتقادی درباره تمام مسائل روز جامعه ایران بود. او در یکی از شماره‌ها با تیتراژ «نهضت دریا»، بی‌بندوباری و هرزگی موجود در این مراسم را به چالش می‌کشد (اطلاعات، ۱۸ مرداد ۱۳۴۰: ۷) این موضوع‌ها چنان اهمیت یافت که کیهان در سرمقاله‌اش در این باره نوشت: «باید از شب‌زنده‌داری‌ها، پارتی‌های مغایر اصول اخلاق، چاپ کتاب‌های خلاف اخلاق، نمایش انحرافی تئاتر نماها و از فروش نشریات مضر و عکس‌های سکسی جلوگیری کرد و حتی فیلم‌های خلاف اخلاق را از صحنه نمایش دور کرد و فیلم‌هایی را در سینماها نمایش داد که خانواده‌ها به‌طور جمعی، چه کودک خردسال و چه نوجوان و اشخاص مسن، همگی از آن برای «زندگی بهتر» استفاده نمایند.» (کیهان: دوشنبه ۳ مرداد ۱۳۴۵: ۴) «مینی ژوپ، پوششی بر احساس حقارت» نوشته مسعود انصاری نیز خوانش حداقلی از بومی‌گرایی را بازتاب می‌داد: «هنوز چند صباحی از شیوع این مد در کشورهای مدساز اروپایی نگذشته بود که ناگهان مشاهده کردیم در کشور ما نیز دامن‌ها کوتاه شد و گروهی از زنان ما از این لحاظ، نه تنها غربی، بلکه خیلی هم غربی شدند و درحالی‌که در خود کشورهای غرب نیز این مد مانند دیگر نهضت‌های زشت عصر ما از قبیل «بیتلیسم» و «هیپیسیم» و غیره که تب تمدن آنها را

وجود آورده است، نتوانست مورد تأیید تمامی مردم آن کشورها قرار بگیرد، معهذا در کشور ما به سرعت جای خود را باز کرد و زنان و دختران مدپرست ما که چشم بسته منتظر ظهور مد و تقلید آن هستند، دسته‌دسته از این مد اقبال کردند و دامن‌های خود را کوتاه ساختند.» (کیهان، ۱۰ خرداد ۱۳۴۸: ۷ و ۱۵) نمونه دیگر انتقاد از پارتی‌های نوجوانان دختر و پسر ۱۵ و ۱۶ ساله تهرانی بود که مشروبات الکلی مصرف می‌کردند (اطلاعات، ۲۷ آبان ۱۳۴۹: ۹).

بازگشت به سنت‌های خویش

اگر غرب‌گرایی و ستایش از تاریخ پیش از اسلام دو عنصر گفتمان پهلویسم را تشکیل بدهد (میرسپاسی، ۱۳۸۴: ۴۳)، بنابراین، توجه به حفظ سنت‌ها و پوشش کامل سنن ایرانی-اسلامی که یکی از بخش‌های ثابت این دو رسانه مطبوعاتی بود، خارج از محدوده گفتمان پهلویسم، به ویژه ستایش از تاریخ پیش از اسلام و غرب‌گرایی قرار می‌گیرد. همواره اخباری ثابت در صفحه هنر به صنایع سنتی ایرانی اختصاص یافته بود که ضمن آن درباره سنت‌های هنری و صنعتی ایرانی هشدار داده می‌شد که طی قرن‌ها تداوم داشت و اکنون رو به فراموشی و زوال می‌رفت: «گیوه بافی، هنر اصیل ملی دیگری که بفراموشی گرائیده» عنوان تیتیری بود که به تفصیل به این صنعت اصیل ایرانی پرداخته بود (اطلاعات، ۲۷ آبان ۱۳۴۴، ۱۴). نمونه‌های دیگر: «هنر پته‌دوزی در کرمان به حمایت نیاز دارد این هنر از چند صدسال قبل در کرمان رواج داشته ولی اینک به خاطر زحمت زیاد و بازار بی‌رونق رو به افول است.» (کیهان، ۱ تیر ۱۳۵۰: ۲۰) «سنتی که از میان می‌رود: مسگرهای کاشان، لوکس فروش شده‌اند، آخرین نسل بازمانده از مسگرهای بازار کاشان، حرفه‌ای که به تدریج از یاد می‌رود.» (کیهان، ۴ آبان، ۱۳۵۴: ۱۷) همچنین سنت‌های اجتماعی که نسل به نسل گشته و در زمانه مورد بحث رو به زوال گذاشته بود، مرکز توجه قرار گرفت: «وقتی که نقالها، خاموش می‌شوند، با زوال سنت نقالی، شاهنامه به سرنوشت کتاب بینوایان دچار می‌شود.» (اطلاعات، ۳۰ تیر ۱۳۵۰: ۹) «نقالی را کجا دفن خواهید کرد؟» (کیهان، ۲۰ تیر ۲۵۳۵: ۹) آداب و رسوم و پوشش سنتی اقوام ایرانی هم در این گرایش سنت فراموش‌نشده بود، از این‌رو درباره لباس‌های

محلی و ضرورت حفظ سنت‌های ایرانی، در یکی از شماره‌های اطلاعات نوشته شد: «مردمی که با مینی ژوپ بیگانه‌اند، اما آنچه بر تن دارند قرن‌هاست زیبایی آمیخته با اصالت خود را حفظ کرده است.» (اطلاعات، ۹ خرداد ۱۳۴۷: ۵)

معماری سنتی اسلامی و در رأس آن معماری مساجد که یکی از شاخصه‌های گفتمان اسلامی است، موضوع دیگر این دو مؤسسه مطبوعاتی بود. «مناره‌ها جائیکه بشر به خدا نزدیک می‌شود: هم‌زمان با میلاد پیامبر اکرم، رپرتاژی را به تاریخچه مناره‌ها و ارزش آن در تبلیغات اسلامی اختصاص داده‌ایم» (اطلاعات، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۰: ۱۲) در سایر مناسبت‌ها و اعیاد مذهبی نیز به فراخور مناسبت، به یکی از اماکن دینی توجه می‌شد: «شاهچراغ روشنگر شیراز» (اطلاعات، ۲۴ مرداد ۱۳۴۷: ۶)؛ برگزاری مراسم قالی‌شویان در مشهد ارده‌ال: «هزاران چوب به دست کاشانی «قالی مقدس» را شست‌و شو دادند» (کیهان، ۱۲ مهر ۱۳۵۳: ۱۶). همچنین تخریب هویت سنتی شهرها، با نگرانی گزارش و نسبت به حفظ آن کوشش می‌شد: «نگاهی تازه به کاشان: کاشان، هویت خود را از دست می‌دهد.» (کیهان، ۹ اردیبهشت ۲۵۳۵: ۸) دیگر حوزه‌های معماری همچون بازارهای اسلامی نیز مد نظر آنان بود: «بازار کرمان از جالب‌ترین بازارهای شهرستان‌هاست. این بازار در عین حال انعکاسی از روح کرمان است، با تلفیقی پیچیده از آنچه بومی است و آنچه که بر این شهر طی قرن‌های متمادی تحمیل بوده است.» (کیهان، ۱۸ خرداد ۱۳۴۸: ۹) گزارش از زندگی اندیشمندان و بزرگان ایرانی اسلامی را نیز باید در ذیل همین مجموعه از بومی‌نگری قرار داد. کیهان هفته در یکی از شماره‌ها، به زندگی دو تن از اندیشمندان بزرگ اسلامی یعنی، زکریای رازی و ابن سینا پرداخت (کتاب هفته، ۲۰ اسفند ۱۳۴۰: ۱۲۲-۱۲۶). اطلاعات نیز در مطلبی با عنوان «جابر بن حیان برجسته‌ترین شاگرد حضرت امام جعفر صادق بود... جابر بزرگترین ریاضی‌دان دوره اسلامی» (اطلاعات، ۳ اسفند ۱۳۴۶: ۵)، به بومی‌گرایی اسلامی - علمی توجه کرد. سنت‌هایی که با مذهب تنیدگی بیشتری داشت، موضوع دیگر این روزنامه بود. برای نمونه روزنامه اطلاعات به مناسبت ماه رمضان، گزارشی درباره سنت‌های ایرانیان سراسر کشور در این ماه منتشر کرد: «ده هزار سند درباره آداب و رسوم ماه

جدول ۱: مهم‌ترین نویسندگان بومی‌گرای اطلاعات و کیهان

نام نویسنده	تحصیلات	شغل و گرایش فکری	دهه همکاری	تعداد مقالات	عناوین مقالات	همکاری با نشریه
اسماعیل فرهت قائم مقامی	دکترا	استاد دانشگاه نزدیک به حکومت	۱۳۴۰ و ۱۳۵۰	-۲۰	وجدان آگاه ملی، فروغ و شبه روشنفکران، نقد تجددگرایی و تغییر نقش انسان معاصر: تنهایی و انسان نوین	کیهان
علی اصغر حاج سیدجوادی	دکترا	نویسنده و سر دبیر، عضو جبهه ملی و کانون نویسندگان	۱۳۴۰ و ۱۳۵۰	-۵۰	نقد غربزده‌ها، نقد فرهنگ علمی کشورهای توسعه نیافته	کیهان و اطلاعات
حسن حاج سیدجوادی	دکترا	نویسنده و سر دبیر	۱۳۴۰ و ۱۳۵۰	+۴۰	ستون نویس ثابت: «نهضت دریا»	اطلاعات
ابوالقاسم حالت		شاعر و طنزپرداز	۱۳۵۰	+۱۰	سگ بازی‌های اوناسیس‌های وطني دیدنی است	کیهان

بومی‌گرایی مؤسسه‌های اطلاعات و کیهان در حوزه فرهنگ ... | ۱۰۳

نام نویسنده	تحصیلات	شغل و گرایش فکری	دهه همکاری	تعداد مقالات	عناوین مقالات	همکاری با نشریه
احمد احرار	دیپلم	نویسنده و روزنامه نگار نزدیک به حکومت	۱۳۳۰-۱۳۵۰	+۵۰	مرغ همشایر، خروس اسرائیلی...	اطلاعات جوانان و اطلاعات
فخرالدین شادمان	دکترا	استاد دانشگاه و دولتمرد	۱۳۴۰	-۵	تسخیر تمدن فرنگی	اطلاعات جوانان
منصور تاراجی	دکترا	نویسنده و سردبیر	۱۳۵۰	+۵۰	از اسارت تا آزادی (نقد رفتار مسلمانان در مراسم حج)	اطلاعات
مهدی سمسار	دکترا	نویسنده، مترجم و سردبیر مستقل	۱۳۵۰	+۲۰	سیاست بین‌الملل، نگاه به کشورها بویژه در آسیا و آفریقا و پوشش خبری منظم و جدی بحران‌های بزرگ جهان همچون جنگ الجزایر، جنگ هند و چین و معضل اسرائیل و فلسطین، نهضت غیرمتعهدها	کیهان

نام نویسنده	تحصیلات	شغل و گرایش فکری	دهه همکاری	تعداد مقالات	عناوین مقالات	همکاری با نشریه
جواد مجابی	دکترا	شاعر و نویسنده	۱۳۴۰- ۱۳۵۰	+۵۰	مصاحبه و گفتگو با اعضای کانون نویسندگان	اطلاعات
فرامرز حسینی		عضو هیئت تحریریه	۱۳۴۰- ۱۳۵۰	+۴۰	آشنایی با نزار قبانی شاعر و نویسنده معاصر عرب	کیهان
احمدعلی مسعود انصاری	دکترا	نزدیک به حکومت	۱۳۴۰	+۱۰	مینی ژوپ، پوششی بر احساس حقارت	کیهان
هوشنگ حسامی	لیسانس کارگردانی	روزنامه نگار، کارگردان و منتقد	۱۳۵۰	+۱۰	چهره واقعی حافظ شیراز در برنامه قول و غزل تلویزیون	کیهان

نتیجه گیری

با توجه به تاریخ انتشار مقالات این تحقیق، سیر اندیشه بومی‌گرایی نویسندگان مؤسسه‌های مطبوعاتی کیهان و اطلاعات، در سال‌های آغازین دهه ۱۳۴۰ شروع شد، در میانه این دهه افزایش یافت و در آغاز دهه ۱۳۵۰ به سنت همگانی تبدیل شد. بر اساس جدول شماره یک، نویسندگان با گرایش‌های مستقل از حاکمیت و گاه مخالف آن، بیشتر در روزنامه کیهان قلم می‌زدند و نگارندگان نشریات اطلاعات، میانه‌روتر و گاهی محافظه‌کار بودند و مناصبی نیز در حاکمیت داشتند. نویسندگان بومی‌گرای اطلاعات و

کیهان، در برخی موارد خوانش حداقلی از این گفتمان و گاهی، خوانش حداکثری از فرهنگ بومی ارائه می‌کردند. آنها، به محوری‌ترین موضوع بومی‌گرایی یعنی، هویت توجه ویژه‌ای داشتند و به منظور هویت‌بخشی به خویش، گاهی بدون بررسی علمی و سنجش آثار هنرمندان به گمان آنان غربی‌شده، با نگاه تا حدودی احساسی، به نقد و نفی آنان پرداختند و با مقایسه و مقابل هم قراردادن هنرمندانی همچون فروغ فرخزاد با پروین اعتصامی و طاهره صفارزاده به دوگانه‌انگاری فرهنگی دامن زدند. برخی از آنان با نگاه حداکثری، گرایش افراطی به غرب را ناپسند دانستند و از هر فرصتی برای طعن و تحقیر کسانی استفاده کردند که به این سبک از زندگی روی آورده بودند. به نظر آنان، برخی مظاهر غرب همچون سینما، تئاتر و... موجب ناهنجارهای اجتماعی و فرهنگی در دنیا شده بود. مطالب بسیاری درباره اندیشه بازگشت به خویشتن و داشته‌های خویش، در کیهان و اطلاعات منتشر شد. این توجه به عناصر فرهنگ بومی و سنتی، دستاوردهای علمی گذشته، آداب و رسوم محلی و سرزمینی و معماری اسلامی در زمانی رخ داد که تمامی دنیا پیشرفت‌های غربیان را در فرستادن انسان به فضا تحسین می‌کرد و غرب‌گرایی در اوج قرار داشت. ابعاد مثبت تلاش‌های آنان، تعدیل غرب‌گرایی افراطی از طریق احیای هویت بومی و تأکید مجدد بر ارزش‌های اصیل بومی، نقد فرهنگ غربی، ارائه رویکردهای جدید در حوزه تعلیم و تربیت و در نهایت، معرفی و ستایش هنر و هنرمندان بومی‌نگر بود.

منابع و مأخذ

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی.
- آبراهیمیان، لیلا (۱۳۹۲)، «حسن صدرحاج سیدجوادی، استاد دانشگاه و روزنامه نگار: مصدق فکر معترض جامعه بود»، *سایت تاریخ ایرانی*، <http://tarikhirani.ir/fa/news/7667>.
- احرار، احمد (۱۳۴۸)، «مرغ همشایر، خروس اسرائیلی...»، *روزنامه اطلاعات*، ص ۱۳.
- برزین، مسعود (۱۳۴۴)، *سیری در مطبوعات ایران*، تهران: [بی‌نا].
- بروجردی، مهرزاد (۱۳۹۲)، *روشنگران ایرانی و غرب*، ترجمه جمشید شیرازی، تهران: فرزانه روز.
- بوین، علی و علی طارنسی (۱۳۸۰)، «پست مدرنیسم و جامعه: نظریه و سیاست پست مدرنیسم»، *پست مدرنیته و پست مدرنیسم؛ تعاریف، نظریه‌ها و کاربردها*، ترجمه حسینعلی نودری، تهران: نقش جهان.
- تاریخ شفاهی دانشگاه ایران (۱۹۸۴)، *خاطرات علی اصغر حاج سیدجوادی*، مصاحبه از ضیاء صدقی، به کوشش حبیب لاجوردی، ایالات متحده: دانشگاه هاروارد.
- تاریخ شفاهی و تصویری ایران در عصر پهلوی دوم (۲۰۱۰)، مصاحبه با احمد احرار سردبیر کل روزنامه اطلاعات، حسین دهباشی و ویدا طیرانی، پاریس.
- چهره مطبوعات معاصر (۱۳۵۷)، تهران: پرس اجنت.
- حالت، ابوالقاسم (۸ خرداد ۱۳۵۶)، «سگ بازی‌های اوناسیس‌های وطنی دیدنی است» *روزنامه کیهان*، ص ۸.
- _____ (۱۳۷۹)، *۵۷ سال با ابوالقاسم حالت*، زندگی‌نامه خودنوشت و خاطرات، تهران: سوره مهر.
- حسامی، هوشنگ (۲۳ اردیبهشت ۲۵۳۵ شاهنشاهی)، «چهره واقعی حافظ در برنامه قول و غزل تلویزیون»، *روزنامه کیهان*، ص ۱۳.
- حسینی، فرامرز (۳۰ بهمن ۱۳۵۴)، «آشنایی با نزار قبانی شاعر و نویسنده معاصر عرب»، *روزنامه کیهان*، ص ۱۱.
- خانیکی، هادی (۱۳۸۱)، *قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات*، تهران: طرح نو.
- رابرتسون، رولند (۱۳۸۰)، *جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی*، ترجمه کمال پولادی، تهران: انتشارات ثالث.

بومی‌گرایی مؤسسه‌های اطلاعات و کیهان در حوزه فرهنگ ... | ۱۰۷

ساتن، الول و گوئل کهن (۱۳۸۰)، پژوهشی در ساختار مطبوعات ایران ۱۳۲۶ - ۱۳۲۰، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

شادمان، فخرالدین (۱۳۲۶)، تسخیر تمدن فرنگی، [بی‌جا]، [بی‌نا].

شاهدی، مظفر (۱۳۹۰)، «سانسور مطبوعات در دوره پهلوی دوم؛ یک گزارش اجمالی، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۶۰، ص ۵۵-۶۹.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴)، «وصف‌های فروغ فرخزاد»، مجله بخارا، شماره ۴۴، ص ۱۷-۲۸.

صدرحاج سیدجوادی، حسن (۱۸ مرداد ۱۳۴۰)، «نهضت دریا»، روزنامه اطلاعات، ص ۷.

صدرحاج سیدجوادی، علی‌اصغر (۱۲ فروردین ۱۳۴۱)، «نقد غرب زده‌ها»، نشریه کتاب هفته، ص ۱۲.

_____ (۸ خرداد ۱۳۴۸)، «نقد فرهنگ علمی کشورهای توسعه نیافته»
روزنامه کیهان، ص ۶.

_____ (۲۵۳۶ شاهنشاهی) ارزیابی ارزش‌ها، تهران: رواق.

_____ (۲۵۳۶ شاهنشاهی)، از اعماق، تهران: رواق.

طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۶). نظریه حکومت قانون در ایران، جلد ۲، تهران: ستوده.

_____ (۱۳۹۶)، «مشروح سخنان سید جواد طباطبایی در نشست ایران همین جاست که ایستاده‌ایم»، ماهنامه مهرنامه.

عابدینی مغانکی، مریم (۱۳۸۶)، مطبوعات رژیم شاه؛ مطالعه موردی کیهان و اطلاعات، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

علینی، محسن، «تاریخ مطبوعات ایران از کودتا تا انقلاب»، مجله رسانه، سال ۶، شماره ۱، ص ۶۰-۶۷.

فرهت قائم‌مقامی، اسماعیل (۳۰ بهمن ۱۳۵۴)، «فروغ و شبه روشنفکران»، روزنامه کیهان، ص ۱۲.

_____ (۱۶ آذر ۱۳۵۵)، «نقد تجددگرایی و تغییر نقش انسان معاصر: تنهائی و انسان نوین»، روزنامه کیهان، ص ۷.

_____ (۲۴ آذر ۱۳۵۵)، «وجدان آگاه ملی»، روزنامه کیهان، ص ۶.

_____ (۲۵۳۵ شاهنشاهی [الف])، آزادی یا اسارت زن (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی زن)، تهران: جاویدان.

- _____ (۲۵۳۵ شاهنشاهی [ب])، *ندایی در ظلمت*، تهران: روشنفکر.
- قاسمی، طهمورث (۱۳۸۱)، *نهضت امام خمینی و مطبوعات رژیم شاه*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کدی، نیکی آر (۱۳۶۹)، *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: قلم.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۷۳)، *روزنامه‌نگاران و آموزش روزنامه‌نگاری*، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- _____ (۱۳۷۵)، *انقلاب، مطبوعات و ارزشها*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۴)، «گفتاری درباره اطلاعات»، ویژه‌نامه ۹۰ سالگی روزنامه اطلاعات، جلد ۲، ص ۲.
- مسعودی، بهرام (۲۴ تیر ۱۳۹۰)، *کارنامه و عملکرد روزنامه اطلاعات در گفتگو با بهرام مسعودی*، مصاحبه سایت تاریخ ایرانی (Tarikhirani.ir) با بهرام مسعودی.
- مسعودی، فرهاد (۱۳۵۴)، *پیروزی لیخند*، تهران: اطلاعات.
- مسعود انصاری، احمدعلی (۱۳۴۸)، «مینی ژوپ، پوششی بر احساس حقارت»، *روزنامه کیهان*، ص ۷ و ۱۵.
- میرسپاسی، علی (۱۳۸۴)، *تأملی بر مدرنیته ایرانی؛ بحثی درباره گفتمان‌های روشنفکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران*، ترجمه جلال توکلیان، تهران: طرح نو.
- میلانی، عباس (۱۳۷۸)، *تجدد و تجدد ستیزی در ایران*، تهران: آتیه.
- _____ (۱۳۹۲)، *نگاهی به شاه*، تورنتو: پرشین سیرکل.
- نراقی، احسان (۱۶ اردیبهشت ۲۵۳۵ شاهنشاهی)، «توریسم و الگوی وطنی»، *روزنامه اطلاعات*، ص ۲۴.
- نقوی، علی محمد (۱۳۶۱)، *جامعه‌شناسی غربگرایی*، جلد ۱؛ تهران: امیرکبیر.
- «... سنتی که از میان می‌رود: مسگرهای کاشان...» (۴ آبان ۱۳۵۴)، *روزنامه کیهان*، ص ۱۷.
- «با مشاهیر و مفاخر علم و ادب و هنر ایران آشنا شوید: شرح حالی از محمد باقر مجلسی»، (۱ آذر ۱۳۴۹)، *نشریه اطلاعات دختران و پسران*، ص ۷.
- «بازار کرمان» (۱۸ خرداد ۱۳۴۸)، *روزنامه کیهان*، ص ۵.
- «بحث آزاد درباره فرهنگ ایران» (۳۰ تیر ۱۳۴۲)، *نشریه کتاب هفته*، ص ۹۳ - ۹۷.
- «برنامه عصرانه» و «خاطرات جوانی پیران قوم: گفتگویی با سعید نفیسی» (۱۷ آبان ۱۳۴۴)، *اطلاعات دختران و پسران*، ص ۶.

«جابرین حیان برجسته‌ترین شاگرد حضرت امام جعفر صادق» (۳ اسفند ۱۳۴۶)، روزنامه اطلاعات، ص ۵.

«چهره در چهره شاعر» (۹ مرداد ۱۳۴۷)، روزنامه اطلاعات، ص ۷.

«دلایل رونق فیلم‌های مبتذل»، (۲ خرداد ۱۳۴۹)، روزنامه اطلاعات، ص ۲.

«ده هزار سند درباره آداب و رسوم ماه رمضان» (۸ مرداد ۱۳۵۳)، روزنامه اطلاعات، ص ۵.

«زکریای رازی و ابن سینا» (۲۰ اسفند ۱۳۴۰)، نشریه کتاب هفته، ص ۱۲۲-۱۲۶.

«شاهچراغ روشنگر شیراز» (۲۴ مرداد ۱۳۴۷)، روزنامه اطلاعات، ص ۶.

«ضرورت توجه و احیای موسیقی سنتی ایران» (۲۱ تیر ۱۳۵۵)، روزنامه کیهان، ص ۲۹؛

روزنامه کیهان، ۱۰ شهریور ۱۳۵۲، ص ۱۴؛ روزنامه کیهان، ۹ اردیبهشت ۱۳۵۵، ص ۱۸.

«گفت و شنود بتول عزیزپور با اخوان درباره صادق هدایت» (۲۶ بهمن ۱۳۵۴)، روزنامه کیهان، ص ۹.

«گفتگوی ۳۵: گفتگو با شاعران» (۱ آذر ۲۵۳۵ شاهنشاهی)، روزنامه کیهان، ص ۱ و ۱۳.

«گیوه‌بافی، هنر اصیل ملی دیگری که بفراموشی گرائیده» (۲۷ آبان ۱۳۴۴)، روزنامه اطلاعات، ص ۱۴.

«مصاحبه با داریوش مهرجویی و بهرام بیضایی» (۲۸ اردیبهشت ۲۵۳۵ شاهنشاهی)، روزنامه کیهان، ص ۲۸.

«مصاحبه با علی حاتمی» (۲۲ اردیبهشت ۲۵۳۵ شاهنشاهی)، روزنامه کیهان، ص ۱۲.

«مناره‌ها جائیکه بشر به خدا نزدیک می‌شود» (۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۰)، روزنامه اطلاعات، ص ۱۲.
«ناصر خسرو، مرد تنها» و «داستان‌های رستم و سهراب» (۲۵ بهمن ۱۳۴۳)، نشریه اطلاعات دختران و پسران، ص ۱۰-۱۱.

«نقالی را کجا دفن خواهید کرد؟» (۲۰ تیر ۲۵۳۵ شاهنشاهی)، روزنامه کیهان، ص ۹.

«نقد انقلاب اداری» (۱۳۴۸)، روزنامه کیهان، ۳ خرداد، ص ۶.

«نقد رویکرد حاکم بر سینمای ایران» (۳۱ شهریور ۱۳۴۲)، نشریه کتاب هفته، ص ۱۵۱.

«نقد فیلمفارسی» (۷ آذر ۱۳۵۳)، روزنامه کیهان، ص ۵.

«نگاهی تازه به کاشان: کاشان، هویت خود را از دست می‌دهد» (۹ اردیبهشت ۲۵۳۵ شاهنشاهی)، روزنامه کیهان، ص ۸.

«هزاران چوب بدست کاشانی» «قالی مقدس» را شستشو دادند» (۱۲ مهر ۱۳۵۲)، روزنامه کیهان، ص ۱۶.

«هنر پته‌دوزی در کرمان به حمایت نیاز دارد» (۱ تیر ۱۳۵۰)، *روزنامه کیهان*، ص ۲۰.

«وقتی که نقالها خاموش می‌شوند» (۳۰ تیر ۱۳۵۰)، *روزنامه اطلاعات*، ص ۹.

http://historybiografias.com/biografia_onassis

Williams, Patrick & Laura Chrisman (1994), *Colonial Discourse and Post Colonial Theory*, Columbia University press.

List of Sources with English Handwriting

- Abrahamian, Ervand (1377), *Iran between two revolutions*, Translated by Aḥmad Golmoḥammadī and Moḥammad Ebrahīm Fattāhī, Tehrān: Ney.
- Ebrahīmīyān, Leilā (1392), "Ḥassan Ṣadr Ḥāḡ Seyed ḡavādī, University Professor and Journalist: Moṣṣadeq was the Protesting thought of the Society", Iranian History Website, <http://tarikhirani.ir/fa/news/7667>
- Aḥrār, Aḥmad (1348), " Hampshire chicken, Israeli rooster ...", *Roẓnāme Etelā'āt*, No. 28, p.13.
- Barzīn, Mass'ūd (1344), *Seīr dar Maṭbū'āt Iran*, Tehrān.
- Boroūjerdī, Mehrzād (1392), *Iranian intellectuals and the west: the tormented triumph of nativism*, Translated by jamšīd Šīrāzī, Tehrān: Farzān Roūz.
- Bouīn, 'Alī, 'Alī Ṭārensī (1380), "Postmodernism and Society: Theory and Politics of Postmodernism", *Postmodern and Postmodernism; Definitions, theories and applications*, Translated by Ḥosseīn 'Alī Nozarī, Tehrān: Naqš-e ḡahān.
- Oral History of Iran University (1984), *Memoirs of 'Alī Aṣḡar Ḥāḡ Seyed ḡavādī*, Interview with zīyā Ṣedqī. By the effort of Ḥabīb Lāḡevardī. United States: Harvard University.
- Oral and Visual History of Iran in the Second Pahlavi Era (2010), Interview with Aḥmad Aḥrār, Editor-in-Chief of the *Etelā'āt* Newspaper, Ḥosseīn Dehbāšī, Vīdā Ṭīrānī, Paris.
- The Face of Contemporary Press (13571), Tehrān: Press Agency.
- Ḥālat, Abūlḡāsem (1356), "Sagbāzī-hāye Onānis-hāye Vaṭānī Dīdanī Ast" *Kayhān* newspaper, ḡordād 28, p.8.
- Ḥālat, Abūlḡāsem (1379), *57 years with Ḥālat, Abūlḡāsem, Zendeḡīnāme ḡodnevešt va ḡāterāt*, Tehrān: Sūre Mehr.
- Ḥesāmī, Hoūšang (2535 Imperial), "The real face of Hafez in the TV program of Qūal va ḡazal", *Kayhān* newspaper, Ordībehešt 13, p.13.
- Ḥassanī, Farāmarz (1354), "Introduction to Nīzār Qobānī, a contemporary Arab poet and writer", *Kayhān* newspaper, Bahman 20, p. 11.
- ḡānīkī, Hādī (1381), *Power, Civil Society and the Press*, Tehrān: Ṭarḡ-e Nū.
- Robertson, Roland, (1380), *Globalization: Social Theories and Global Culture*, Translated by Kamāl Poūlādī, Tehrān, Third Edition.
- Satin, Alol and Goel Kohan (1380), *A Research in the Structure of the Iranian Press 1326-1320*, Tehrān: Vezārat-e Farhang va Eršād-e Eslāmī.
- Šādman, Faḡreddīn (1326), *Ṭaṣḡīr-e Tamaddon-e Farangī*.
- Šāhedī, Moẓaffar (2011), "Press Censorship in the Second Pahlavi Period; A brief report, *Quarterly Journal of Contemporary Iranian History*, Vol. 60, pp. 55-69.
- Šaff'ī Kadkanī, Moḥammad Rezā (1384), "Descriptions of Foroūḡ Farroḡzād", *Boḡārā* Magazine, No. 44, pp. 17-28.
- Ṣadr Ḥāḡ Seyed ḡavādī, Ḥassan (1340), "Black Movement", *Etelā'āt* newspaper, 18 Mordād, p.7.
- Ṣadr Ḥāḡ Seyed ḡavādī, 'Alī Aṣḡar (1341), "Critique of the Westernized", *Našrīye Ketāb-e Haḡfe*, Farvardīn 3, p.
- Ṣadr Ḥāḡ Seyed ḡavādī, 'Alī Aṣḡar (1348) "Critique of the scientific culture of underdeveloped countries" *Kayhān* newspaper, ḡordād 28, p.6.
- Ṣadr Ḥāḡ Seyed ḡavādī, 'Alī Aṣḡar (Imperial 2536) *Evaluation of values*, Tehrān: Ravvāḡ.

- Şadr Hāġ Seyed ĵavādī, ‘Alī Asġar (Imperial 2536), From the depths, Tehrān: Ravvāq.
- Ṭabāṭabā’ī, Seyed ĵavād (1386). Theory of Rule of Law in Iran, Vol. 2, Tehrān: Sotoūdeh.
- Ṭabāṭabā’ī, Seyed ĵavād (1396) "Mašrūḥ-e Soġanāne Seyed ĵavād Ṭabāṭabā’ī dar Nešast-e Iran Hamīn ĵāst Ke Istāde’im", Māhnāme Mehrnāme.
- ‘ābedīnī Moġānakī, Maryam (1386), Maṭbū’āt-e Reżīm Šāhanšāḥī ; A Case Study of the Keyhān and Eṭelā’āt, Tehrān: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmī.
- ‘Alīnī, Moḥsen "Tārīḡ-e Maṭbū’āt Iran az Kodetā ta Enqlāb", Majāle Resāne, Volume 6, No. 1, pp. 60-67.
- Farhat Qā’em Maqāmī, Esmā’īl (1354), "Foroūq va Šebhe Rošanfekrān", Kayhān newspaper, Bahman, 20, p.
- Farhat Qā’em Maqāmī, Esmā’īl (1355), "Critique of modernism and changing the role of contemporary Man: loneliness and modern man", Kayhān newspaper, 16 Āzar, p.7.
- Farhat Qā’em Maqāmī, Esmā’īl (1355), "Voĵdān-e Āġāh-e Mellī", Kayhān newspaper, 24 Āzar, p. 6.
- Farhat Qā’em Maqāmī, Esmā’īl (2535 Imperial [a]), Āzādī yā Esārat-e Zan(Moqadame’ī Bar ĵām’ešenāsī-ye Zan), Tehrān: ĵāvīdān.
- Farhat Qā’em Maqāmī, Esmā’īl (2535 Imperial [b]), Nedā’ī dar zolmat, Tehrān: Rošanfekr.
- Qāsemī, Tahmoūreġ (2002), Nehzat-e Imām ĵomeīnī va Maṭbū’āt-e Reżīme Šāh, Tehrān: Markaz Asnād-e Enqelāb-e Eslāmī.
- Keddie, Nikki R (1369), Root of revolution, Translated by ‘Abdol Raḥīm Gavahī, Tehrān: Qalam.
- Moḥsenīyān Rād, Mehdī (1373), Journalists and Journalism Education, Tehrān: Daftar-e Moṭāle’āt va Tūse’e Resāne.
- Moḥsenīyān Rād, Mehdī (1375), Revolution, Press and Values, Tehrān: Sāzmān-e Madārek-e Farhangī-ye Enqelāb-e Eslāmī.
- Moḥaqeq Dāmād, Seyed Mošṭafā (1394), "Goftārī Darbāre Eṭelā’āt", 90th Anniversary Special Issue of Eṭelā’āt Newspaper, Vol. 2, p. 2.
- Mas’oūdī, Farḥād (1354), Victory of Smile, Tehrān: Eṭelā’āt .
- Mas’oūd Ansārī, Aḥmad ‘Alī (1348), "Mīnī-żup, Pūšešī bar Asās-e ḥeqārat", Kayhān newspaper, pp. 7 and 15.
- Interview of Iranian history site (Tarikhirani.ir) with Bahrām Mas’oūdī. "The record and performance of the Eṭelā’āt newspaper in a conversation with Bahrām Mas’oūdī " Friday, Tīr 15, 1390.
- Mīrsepāsī, ‘Alī (2005), A Reflection on Iranian Modernity; Discussion on Intellectual Discourses and the Politics of Modernization in Iran, Translated by ĵalāl Tavakolīyān, Tehrān: Ṭarḥ-e Nū.
- Mīlānī, ‘Abbās (1378). Modernity and Anti-Modernism in Iran, Tehrān: Āṭīyeh.
- Mīlānī, ‘Abbās (1392), A Look at the King, Toronto: Persian Circle.
- Narāqī, Ehsān (2535 Imperial), "Tourism and Patriotic Pattern", Eṭelā’āt Newspaper, Ordībehešt 6, p. 24.
- Naqavī, ‘Alī Moḥammad (1361), Sociology of Westernism, Vol. 1; Tehrān: Amīrkabīr.
- "..Sonatī ke Az Beīn Mīravād: Mesgarḥāye Kāšān .." (1354), Kayhān newspaper, Ābān 25, p.17.

- "Get Familliyer with the celebrities of Iranian science, literature and art: a detailed description of Moḥammad Bāqer Majlesī", (1349), Našrīye Eṭelā'āt Doḵtarān va Pesarān, 1 Āzar, p.7.
- "Kermān Bāzār" (1348), Kayhān newspaper, 18 ḵordād, p.5.
- "Free discussion on Iranian Culture" (1342), Našrīye Ketābe Hafte, Tīr 20, pp. 93-97.
- "Barnāme 'Ašrāne" and "ḵāṭerāte ḵavānī-ye Pīrān-e Qūm: Goftego'ī Bā Sa'eed Nafīsī" (1344), V, 17 Ābān, p.6.
- "ḵāber b. Ḥayyān, the most prominent student of Imām Ja'far Šādeq" (1346), Eṭelā'āt newspaper, Esfand 24, p.
- "Čehre dar Čehre Šā'er" (1347), Eṭelā'āt newspaper, 9 Mordād, p.7.
- "Dalā'el-e Ronaq-e Fīlmhāye Mobtazal", (1349), Eṭelā'āt newspaper, 2 Ḵordad, p.2.
- "Dah Hezār Sanad Darbāre Ādāb va rosūm-e Māh Ramāzān" (1353), Eṭelā'āt newspaper, 8 Mordād, p.5.
- "Zakarīyā Rāzī va Ebn Sīnā" (1340), Našrīye Ketābe Hafte, Esfand 11, pp. 122-126.
- "Šāhčērāg Rošangar Šīrāz" (1347), Eṭelā'āt newspaper, 24 Mordād, p.6.
- "Žarūrāt-e Tavaḵoh va Eḵyāye Mosīqīye Sonatī-ye Iran" (1355), Kayhān newspaper, Tīr 21, p. 29; Kayhān newspaper, Šahrīvar 10, 1352, p. 14; Kayhān newspaper, Ordībehešt 9, 1355, p.18.
- "Goft va Šonūd-e Batūl-e 'Azīzpūr Bā Aḵavān Darbāre Šādeq Hedāyat" (1354), Kayhān newspaper, Bahman 26, p. 9.
- "Goftogo 35: Goftogo Bā Šā'er" (2535 Imperial), Kayhān newspaper, 1 Āzar, pp. 1 and 13.
- "Gīvebāfī, Honar Ašīl-e Mellī-ye Dīgarī ke Be Farāmūšī Gerā'īde" (1344), Eṭelā'āt newspaper, Ābān 27, p.14.
- "Mošāḥebe Bā Darīūš Mehrjōū'ī va Bahrām Beizā'ī" (2535 Shahshahi), Kayhān newspaper, 28 Ordībehešt, p. 28.
- "Mošāḥebe Bā 'Alī Ḥātāmī" (2535 Shahshahi), Kayhān newspaper, 22 Ordībehešt, p.12.
- "Menāre-hā ḵā'īke Bašar Be ḵodā Nazdīk Mīšavad" (1350), Eṭelā'āt Newspaper, Ordībehešt 23, p. 12.
- "Nāšer ḵosrow, Marde Tanhā" va "Dāstān-hāye Rostam and Sohrāb" (1964), Našrī'eye Eṭelā'āt Barāye Doḵtarān va Pesarān, Bahman 25, pp. 10-11.
- "Naqālī Rā Koḵā Dafn ḵāhīd Kard?" (2535 Imperial), Kayhān newspaper, 3 ḵordād, p.9.
- "Naqd-e Enḵelāb-e Edārī" (1348), Kayhān newspaper, 20 Tīr, p.6.
- "Naqd-e Rūykard-e Ḥākem Bar Sīnamā-ye Iran" (1342), Našrīye Ketābe Hafte, 31 Šahrīvar, p.151.
- "Naqd-e Fīlm-e Fārsī" (1353), Kayhān newspaper, 7 Āzar, p.5.
- "Negāhī Tāze Be Kāšān: Kāšān Hovīyat-e ḵod Rā Az Dast Mīdahad " (2535 Imperial), Kayhān newspaper, 9 Ordībehešt, p.8.
- "Hezārān Čob Be Dast-e Kāšānī "Qālī-ye Mḵqadas" Rā Šostešū Dādand" (1352), Kayhān newspaper, 12 Mehr, p.16.
- "Honar-e Pate Dozī dar Kermān Be Komak Nīyāz Dārad" (1350), Kayhān newspaper, 1 Tīr, p. 20.
- "Vaqtī Ke Naqālīhā ḵāmūš Mīšavand" (1350), Eṭelā'āt Newspaper, 30 Tīr, p 9.